

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال پنجم، شماره هفدهم،

صفحات ۱۶-۱

تحلیل حقوقی مُسکرات و تأثیر آن ها بر مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران

دکتر ناصر شهلائی استاد تمام دانشگاه فرماندهی ستاد آجا (دافوس)

مسعود قهرمانی دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و مدرس دانشگاه

(نویسنده مسوول)

چکیده

مواد سکرآور به موادی اطلاق می شود که با استعمال آن، فرد استفاده کننده اراده و اختیار خود را از دست داده و از بهره عقل محروم می گردد. بدین جهت استعمال این مواد از لحاظ حقوقی دارای آثاری هستند که باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند. از سوی دیگر، مواد سکرآور و مواد مخدر از لحاظ حقوقی به عللی چون: آثار زیان بار مشترک و ایراد خلل در عقل و اراده، قابل قیاس با یکدیگر بوده و می توان ادعا کرد که مسکرات اعم از مواد سکرآور و مواد مخدر هستند. از آنجایی که یکی از آثار مخرب استعمال مُسکرات مقدمه قرار گرفتن برای ارتکاب جرائم دیگر است؛ از حیث تأثیر بر مسئولیت کیفری نیز قابل بررسی می باشند. با اینکه قانون سابق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ دارای خلاء در این زمینه بود و باعث چالش و سردرگمی در محاکم گشته بود؛ اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با مقایسه صحیح مُسکرات و مواد مخدر، ضمن وضع احکام و بیان مواضع مشترک خاصه در مسئولیت کیفری برای آنها، خلاء قانونی سابق را نیز رفع نموده است. در نهایت گاهی اوقات مستی ناشی از استعمال مُسکرات در حین ارتکاب جرم، می تواند از علل تشدید کننده مسئولیت کیفری و گاهی اوقات نیز اگر فرد مرتکب بر اثر استعمال مسکرات در حین ارتکاب جرم مسلوب الاراده شده باشد، می تواند از علل نسبی رافع مسئولیت کیفری باشد.

واژگان کلیدی: مواد سکرآور، مواد مخدر، قیاس اولویت، مسئولیت کیفری، اراده .

طبقه‌بندی JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 17

Pages 1-16

Legal Analysis of Muskrats and Their Impact on Criminal Liability in the Iranian Legal System

Dr. Nasser Shahlai

Full Professor, AJA Headquarters Command University (DAFOS)

Masoud Ghahremani

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch and University
Lecturer. (Corresponding Author)

Abstract

Intoxicants are those materials that using them makes one to lose his/her will power and reason. Therefore there are juridical impacts in using them that need to be studied. Moreover intoxicants and narcotics due to their common harmful effects and causing trouble for reason and will power, might juridically be compared and one can claim that the term "intoxicant" includes narcotics as well. Since using intoxicants can be a start for committing other crimes, one can also study its role on punitive responsibility.

Even though there were some gaps in the previous Islamic penalty regulation which was passed in 1370 in this regard that caused some complexities for the courts, however regulation passed in 1392 solved those shortcomings through a proper comparison between intoxicants and narcotics, along with issuing regulations and mentioning specific common cases in the punitive responsibility. At the end; sometimes being drunk -due to using intoxicants- while committing a crime can intensify punitive responsibility and sometimes if the criminal is to be regarded without will power- due to using intoxicants- while committing a crime, then this can be regarded as a relative causes for removing punitive responsibility.

Keywords: Intoxicants , narcotics, Alqiyas-o-lolaviyyah, punitive responsibility, will power .

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

از ابتدای خلقت انسان تاکنون و از زمان شکل گیری اولین اجتماعات بشری تا به امروز، که به گستردگی و پیچیدگی خاصی نیز تبدیل شده است، همواره ارتکاب رفتارهای خلاف هنجارها و نظم عمومی که در برخی موارد جرم نیز محسوب می شود، در همگی جوامع به چشم خورده است. تا جایی که علماء حقوق کیفری قائل به این شده اند که ارتکاب جرم اجتناب ناپذیر بوده و هیچ گاه در هیچ جامعه ای به صفر نخواهد رسید. آنچه که بشر را به مشکل انداخته، اثرات سوء ناشی از ارتکاب جرائم است. از این حیث، جرم شناسان را بر این وا داشته است که به دنبال کاهش آمار جنایی، به فکر پیشگیری و یا واکنشی همه جانبه علیه پدیده مجرمانه باشند تا آلام جامعه تسکین یابد و باعث بازهنجاری مجرم گردد.

در بین این جرائم، مُسکرات اعم از مواد سکرآور و مواد مخدر از فراوانی بیشتری در آحاد جامعه معاصر به خصوص در قشر جوان برخوردار می باشد. با این که قانون و حتی شرع مقدس استعمال این گونه مواد را جرم و حرام اعلام کرده اند، اما متأسفانه تأثیر چندانی به جهت کاهش این پدیده شوم دیده نشده است. به طور قطع فرهنگ سازی می تواند درمان قطعی ارتکاب این دست از جرائم باشد.

به خوبی روشن است که مواد سکرآور و به طریق اولی مواد مخدر نقش بسزایی در ارتکاب جرائم دیگر و مسئولیت کیفری مجرم دارند؛ بدین معنی که چون این مواد باعث زائل شدن عقل و اراده می گردند، حسب مورد می تواند مانع تحقق نسبی یا کلی مسئولیت کیفری مجرم گردد، و برعکس گاهی اوقات نیز باعث شدت مسئولیت مجرم خواهند شد. بر این پایه سوالاتی قابل طرح است:

الف) علت قیاس مواد مخدر به مواد سکرآور در رابطه با تأثیر آن ها در مسئولیت کیفری چیست؟

ب) مهم ترین عامل اثر گذاری مواد سکرآور و مخدرات بر مسئولیت کیفری چه می باشد؟

آنچه در ابتدای امر به نظر می رسد، علت قیاس نمودن مواد مخدر به مواد سکرآور در رابطه با تأثیر آنها در مسئولیت کیفری، از بین رفتن عقل و زائل شدن اراده در استعمال کننده این مواد می باشد. همچنین مهم ترین عامل اثر گذاری مُسکرات و مخدرات بر مسئولیت کیفری وجود یا عدم وجود اراده در استعمال کننده این مواد می باشد.

شایان ذکر است خط مشی روش شناختی و روش انجام تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات و اساساً ساختار و سازمان تحقیق، توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع مکتوب و دیجیتال معتبر اسلامی به دست آمده است.

۲. تحلیل حقوقی مسکرات

۲-۱. مواد سکرآور

مسکر اسم فاعل است از باب اسکار و اسکار به معنی مست کردن و مایه مستی شدن و مسکر به معنی مست کننده است (فیض ۱۳۸۵، ص ۴۴۷). در شرع نیز مسکر یا مایع مست کننده تعریف به خصوصی ندارد و مانند الفاظ دیگر، منظور از آن معنای عرفی آن است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۹). حرمت مواد سکر آور در اسلام معلوم و از ضروریات بوده تا جایی که در فتوای فقها آمده است: و یقتل مستحل الخمر اذا كان عن فطره (مکی عاملی، ۱۴۱۱، ص ۲۴۱) و هیچ

خود را به طور تام یا نسبی برای مدت محدود از دست می دهد (ژیان، ۱۳۸۵). در لغت نامه دهخدا نیز در مورد مستی بیان می دارد: غلبه سرور بر عقل به مباشرت بعضی اسباب موجب سکر که مانع آید از عمل به عقل، بی آنکه عقل زائل شده باشد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲ و ۱۲). صاحب جواهر نیز در تعریف مستی آورده است: و ان قیل هو ما حصل معه اختلال الکلام المنظوم و ظهور السر المكتوم او ما بغير العقل و يحصل معه سرور و قوه النفس فی غالب المتناولین (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۴۴۹) که منطبق با تعاریف فوق می باشد.

فرد مست تحت تأثیر مواد سکرآور به یکباره تغییر ماهیت داده و وضع روحی و اخلاقی وی عوض می شود. به علت ضعف سلسله اعصاب وی به خاطر تناول مسکر دست به اعمال وقیحانه‌ای می زند و شرم و حیا را نادیده می گیرد. چنانچه در روایات نیز همچون روایتی که مرحوم شیخ صدوق (ره) آورده، مثبت مطالب فوق است. محمد بن سنان نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابی الحسن علی بن موسی بن جعفر (ع) شنیدم که فرمودند: خداوند عزوجل خمر و شراب را به خاطر چند جهت حرام کرده است:

الف) در آن فساد است.

ب) عقل شارب را تغییر داده و زائل می کند.

ج) شارب را وادار می کند که خداوند عزوجل را انکار کند و

...

و) قتل و نسبت ناروا دادن و مبادرت به زنا ناشی از شرب خمر می باشد.

مسلمانی نیست که از حرمت آن بی خبر باشد و دلیل مسأله حرمت مواد سکرآور آیات قرآن و روایات واصله از معصومین «علیهم السلام» است. قرآن کریم نوشیدن مشروبات مست کننده را از عمل شیطان خوانده است و می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون، انما یرید الشیطان أن یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یریدکم عن ذکر الله و عن الصلاة فهل انتم منتحون» (مائده، ۹۰-۹۱). یعنی ای اهل ایمان همانا شراب، قمار، بت پرستی و تیرهای گروبندی همه اینها پلید و از اعمال شیطان است، البته از آن دوری کنید شاید رستگار شوید، همانا شیطان قصد دارد که به وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد. پس آیا از آن دست برمی دارید؟

در روایات نیز که از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) از طریق حلبی، زراره و حمران بن أعین از آن دو بزرگوار نقل شده است، آمده است که: «ان الخمر رأس کل اثم» (عاملی، وسائل، ج ۲۵، ص ۳۱۵). یعنی به درستی که شراب مبدأ همه گناهان است. اسلام با دو شیوه‌ی تحریم شراب خمر و جرم انگاری و اعمال مجازات؛ به منظور پیشگیری و مبارزه و جلوگیری از رواج بیشتر این مواد مست کننده، اقدام نموده است. در حرام بودن مواد سکرآور بین انواع آن فرقی نیست و بر کسی که مسکر یا فقاع بخورد، حد واجب است به شرط آنکه بالغ و عاقل و مختار باشد و حکم و موضوع را نیز بداند، هر چند تعریف جامع و کاملی را نمی توان از یک فرد مست ارائه داد، اما شاید مست را بتوان چنین تعریف کرد که مست کسی است که به واسطه مصرف مسکر قوه عقل یا تمیز اراده

آن است، حال کم باشد یا زیاد تفاوتی نمی کند. اما با این وجود، این امر از لحاظ علم پزشکی معلوم نیست که چه مقدار استعمال مواد سکرآور موجب مستی است؛ چون افراد متفاوت هستند، برخی از آنان ممکن است دیر مست شوند و در مقابل بعضی نیز برعکس، زود به حالت مستی می رسند. البته باید گفت درباره تأثیر میزان استعمال مواد سکرآور بر مستی مطابق ماده ۱۶۰ آئین نامه رانندگی مصوب ۱۳۴۷/۰۲/۱۸ میزان الکل موجود در خون شخص بیش از ۵۰ سانتیگرم در هر لیتر باشد، معیار مستی فرد است اما با این وجود طبق ماده ۲۶۴ (ق.م.ا) مطلق تناول مسکر جرم و کم یا زیاد آن تأثیری در اجرای حد ندارد.

۲-۲. مواد مخدر

در کنار الکل جذب بعضی مواد ترکیبی یا طبیعی موجب بروز چنان فسادی در شخصیت می شود که استعمال آن ها منشاء مهمی برای بزه کاری است. نام عمومی این دسته، مواد مخدر است (ژیان، پیشین). مرحوم دهخدا نیز در لغت نامه، در مورد مواد مخدر آورده است: دارویی می باشد که سبب بی حسی، رخوت و مستی می گردد. هر چند برخی از مواد مخدر در طبع و پزشکی برای کاهش درد و بی حسی استفاده می شود، اما استفاده مکرر آن ها اعتیاد آور است و نوعی جنون و اختلالات عصبی در مصرف کننده ایجاد می کند. استفاده از مواد مخدر ریشه در تاریخ دارد. آثار به جا مانده از مصریان قدیم (۳۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح) موضوع استفاده از تریاک در مراسم مذهبی را به اثبات می رساند. با گذشت زمان هر روز بشر با نوع جدیدی از مواد مخدر روبه رو بوده که اخیراً می توان به موادی چون ال.اس.دی، اکستازی و ... اشاره کرد. این مواد بازار مواد مخدر قدیمی چون تریاک، هروئین و کراک

(ز) شرب خمر سبب می شود که شارب نسبت به اجتناب از محارم الهی بی اعتنا و کم مبالا باشد.

سپس امام فرمودند: به خاطر این جهات حکم نمودیم که هر شراب و مایع مست کننده ای حرام است (صدوق، ۵۲۳، ۱۳۸۷).

از روایت فوق بخوبی معلوم می گردد تناول مسکرات مقدمه جرائم دیگر است. به واقع مستی بر روی تمامی رفتار فرد مست تأثیر گذار می باشد و وی را فاقد قوه تمییز و اختیار می کند. همین امور است که باعث می شوند افکار فرد مست تیره و عقل آنان زائل و در نتیجه دست به ارتکاب اعمال شنیع و قبیح و در پاره ای از مواقع مجرمانه بزنند. متأسفانه به رغم تعالیم و آموزش های همگانی فراوان مذهبی و پزشکی در مورد آثار سوء و زیان بار استعمال مواد سکرآور، باز هم شاهد تمایل روز افزون به سمت استعمال این مواد هستیم؛ لذا قانونگذار ایران به تبعیت از فقه امامیه دست به جرم انگاری استعمال مواد سکرآور زده است، تا شاید از این طریق یکی از اهداف مجازات که همان جنبه ی بازدارندگی آن است، محقق گردد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطلق استعمال مواد سکرآور را جرم دانسته و در ماده ۲۶۴ بیان می دارد: مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه ای که آن را از مسکر خارج نکند، موجب حد است. هر چند از لحاظ فقه و قانون کم یا زیاد بودن میزان مواد سکرآور تأثیری بر میزان مجازات مرتکب آن ندارد و حتی در این باره روایت صحیحه عبدالله بن سنان آمده است: «قال قال ابو عبدالله الحد فی الخمر ان یشرب منها قليلاً و کثیراً» (عاملی، وسائل، ج ۲۴، ص ۲۲۴). وجوب حد در خمر تناول

قانون تنها راه کار جهت مبارزه با مواد مخدر نمی تواند باشد و بایستی از سایر ابزارها مثل؛ ابزار فرهنگ، آموزش و همچنین مرتفع ساختن علل اصلی گرایش به مواد مخدر مثل فقر و مسائل اقتصادی، اقدام به کاهش استعمال مواد مخدر در کشور نمود.

۲-۳. مقایسه مواد مخدر به مواد سکرآور

در موضوع بحث ما، یافته های علمی و تجربی در سال های اخیر تأثیر شدید مواد الکلی، مواد مخدر و مواد روانگردان بر نیروی آگاهی و اراده افراد را به اثبات رسانده اند (موسوی مجاب، پیشین، ص ۲۱۴)، حالات افراد مست در مقایسه با حالات افراد معتاد در حالت مستی و نشنگی با یکدیگر شباهت داشته و هر یک از آنان تمایل و آمادگی بیشتری نسبت به سایر افراد عادی به ارتکاب جرائم دارند. و علت آن نیز، زائل گشتن عقل و ایراد خلل به اراده آن ها به علت استعمال مواد سکرآور و مواد مخدر می باشد. اینگونه مواد بر سیستم عصبی تأثیرگذار است؛ به عنوان نمونه بسیار دیده شده است افراد الکلی یا معتاد با سیگار روشن میخوانند، تصادف جاده ای بیشتری برای آن ها اتفاق می افتد و یا دست به ارتکاب جرائمی چون قتل و سرقت، اعمال منافی عفت و اخلاق عمومی می زنند (ژیان، پیشین)، لذا به خوبی روشن است که این دو موضوع (مواد سکرآور و مواد مخدر) از جهات مختلف با یکدیگر شباهت بسیاری دارند. دین مبین اسلام مواد سکرآور را حرام کرده و برای مرتکب آن قائل به مجازات است. علامه حلی (ره) بیان می دارد: «من تناول مسکراً حد ثمانین جلد» (حلی، ۱۳۸۵، ص ۷۴۳)، سایر فقها چون محقق خوبی (ره) نیز در کتاب گران مایه مبانی تکلمه المنهاج ضمن حرام دانستن شرب مواد سکرآور حد آن را ۸۰ تا زیانه

را به حاشیه برده است. اما متأسفانه آمارها، افزایش روز افزون گرایش و تمایل آحاد مردم به خصوص جوانان را به این گونه مواد نشان می دهد. مواد جدید علاوه بر علائم جسمانی شدید همچون سفتی عضلات، تهوع، تاری دید، افزایش ضربان قلب و فشار خون، مشکلات روانشناختی بسیاری همچون افسردگی، اختلال ادراک، اضطراب شدید و بدگمانی نیز طی مصرف یا گاهی هفته ها بعد از مصرف را به دنبال دارد (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰ و ۲۱۳). اما با این وجود و به رقم آثار مضر مشهودی که همه مردم شاید همه روزه شاهد آن باشند، باز تولید و مصرف مخدر در سطح جهان کاهش نیافته، بلکه افزایش نیز یافته است. کشور ما نیز که در مسیر ترانزیت مواد مخدر به علت هم مرز بودن با کشورهایی چون افغانستان (که بی شک بزرگترین تولید کننده مواد مخدر است) و پاکستان، مورد حمله وحشیانه این مواد بیش از هر جای دیگر قرار گرفته و آسیب های جدی نیز خورده است. قطعاً یک راهکار مبارزاتی، ورود مجامع قانونگذاری در سطح داخلی و بین المللی در این عرصه می باشد تا خرید، فروش، تولید و مصرف این گونه مواد را جرم و برای آن مجازات تعیین کند؛ برای نمونه کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان که قانون الحاق ایران به آن در تاریخ ۱۳۷۰/۰۹/۰۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، از این دست تصمیم های بین المللی است. مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با رویکردی مبارزاتی جهت سرکوب و منکوب کردن تولید کننده، مصرف کننده و پخش کننده مواد مخدر در سال ۱۳۷۶، قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن را به تصویب رساند. حتی فقها نیز استعمال و تولید و پخش مواد مخدر را حرام می دانند (خامنه ای، ۱۴۰۳، ص ۳۰۹). به هر تقدیر باید پذیرفت که

فراوانی آن در جوامع آن روزگار بوده است. با توجه به پیشرفت هایی که در عرصه های مختلف علمی حاصل گردیده و رویکرد موجب شده است که، مواد سکرآور جدیدی در کنار مواد دیگر بوجود بیاید، می توان گفت که به علت ملاک سکرآوری که در این مواد جدید هم وجود دارد، همه این مواد در حکم واحدی می باشند. پس به نظر می رسد می توان چنین ادعا کرد که شارع مقدس مسکرات به طور مطلق را حرام و برای تولید، خرید و فروش و مصرف آن قائل به مجازات است. و مسکرات را اعم از مواد سکرآور و مواد مخدر می داند. پس همه مسائل پیرامون مواد سکرآور که در مورد آن بحث می شود و آثاری که بر آن بار می شود را، می توان در مورد مواد مخدر ساری و جاری دانست. در حقوق کیفری انگلستان نیز با در نظر گرفتن این مطلب، مستی را حاصل مصرف الکل و مواد مخدر می داند که می تواند موید ادعای فوق باشد (clakson cheistopher - ترجمه و توضیح میر محمد صادقی ۱۳۹۰، ص ۱۶۸).

۳. اراده و نقش آن بر مسئولیت کیفری

اراده واژه عربی از ریشه «رود» است. واژه اراده به معنای خواستن، میل، رغبت، عزم و تصمیم است. همچنین اراده در معنای توانایی آگاهانه و به ویژه اقدام مبتنی بر تدبیر و سنجش نیز آمده است. در تعریف اصطلاحی می توان گفت اراده به عنوان یکی از شئون نفس در زمره کیفیات نفسانی است که از اجتماع مقدمات متعدد و گرایش های متنوع در نفس پدید می آید (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ص ۴۰).

دانسته است. اما با این حال در مباحث فقهی حکم مواد مخدر کمتر مورد بحث واقع شده است. با این وجود برخی از فقها خاصه معاصرین در کتب خود از مخدرات نام برده اند و حتی در روایاتی نیز از بنگ و مخدرات استعمال شده است. ولیکن به صراحت مواد سکرآور مورد تعمق و مذاقه قرار نگرفته است؛ و علت نیز شاید آن باشد که در اوایل ظهور اسلام مواد مخدر به مانند امروزه ساخته نمی شده و مورد استفاده نیز نبوده است. اما اسلام از طریق اعمال کلیاتی به فقها اجازه اجتهاد داده تا تکلیف را مشخص نمایند؛ پس از آنجا که خوب می دانیم که این دو مواد یعنی مواد سکرآور و مواد مخدر در عوارض و آثار سوء متشابهند و هر دو زائل کننده عقل و اراده در مصرف کننده هستند، از طرق اولویت قابل قیاس با یکدیگرند و می توان حکم واحدی را برای هر دو بار نمود. به بیان دیگر در قیاس اگر اصل را مواد سکرآور و فرع را مواد مخدر و حکم را حرام و وجه تشابه به آن ها را زوال عقل و اراده بدانیم، می توان نتیجه گرفت وجود حکم در فرع یا مقیس (مواد مخدر)، به مراتب روشن تر از وجود آن در اصل یا مقیس علیه (شراب یا مسکر) است. از طرف دیگر، حتی از طریق قیاس منصوص العله نیز می توان نتیجه فوق را گرفت. همانطور که اشاره شد فقها با قیاس مواد مخدر به مواد سکرآور آن را حرام و قانونگذار نیز استعمال، تولید و خرید و فروش مواد مخدر را به مانند مواد سکرآور جرم و به مراتب مجازات بیشتری برای آن قائل شده است (ماده ۱ قانون اصلاح مواد مخدر ۱۳۷۶/۸/۱۷ تشخیص مصلحت نظام)، فلهدا با عنایت به مطالب فوق یک نتیجه بدست می آید که در حقیقت شارع مقدس در بیان حکم کلی، به منظور حرمت مطلق هر گونه موادی که باعث زول عقل و اراده گردد می باشد و مواد سکرآور را از باب نمونه آورده و علت تأکید بر مواد سکرآور میزان

عمدی و حتی در جرائم خلافی وجود دارد. برخی از حقوقدانان اراده را یک عنصر معنوی به شمار می آورند و در کلیه جرایم وجود آن را ضروری می دانند (علی آبادی، ۱۳۸۵، ص ۶۰). رویکرد حقوق کیفری ایران در ارتباط با ارکان جرم همچون سایر کشورهای تابع نظام رومی ژرمنی یا قانون مدار مبتنی بر سه رکنی بودن ارکان جرم است؛ یعنی رکن قانونی، رکن مادی و رکن روانی، که همه این ارکان جهت انتساب فعل مجرمانه به مرتکب لازم الاجراز هستند. نخستین و بنیادی ترین رکن هر جرمی رکن قانونی است، از آیه ۵ سوره اسراء نیز می توان نتیجه گرفت که اصل قانونی بودن یا همان رکن قانونی در حقوق کیفری اسلام جلوتر از هر مکتب کیفری دیگری پذیرفته شده و به آن عمل می شده است. رکن روانی در مقام تمثیل به مانند روح برای جسم است، که بعضی از شارحین حقوق جزا آن را عنصر اخلاقی نیز نامیده اند. منظور از رکن روانی آن است که مرتکب عملی را که طبق قانون جرم شناخته شده با قصد مجرمانه انجام داده و یا آن که در ارتکاب آن عمل مرتکب خبط و تقصیر جزایی شده باشد (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱). واضح است هر گاه رکن روانی وجود نداشته و اثبات نگردد کسی را نمی توان مجازات نمود. رکن مادی نیز در حقیقت همان ارتکاب فعل مجرمانه است. به عبارت دیگر همان طور که تحقق جرم نیاز به قانون خاص و قصد مجرمانه دارد، نیاز به اجرا فیزیکی آن نیز هست، که برخی از حقوقدانان آن را پیکره خارجی جرم نامیده اند (محسنی، پیشین، ص ۱۳۱). آنچه مسلم است هر یک از ارکان سه گانه انبوهی از کتب حقوقی را برای شرح و تفسیر به خود اختصاص داده اند اما غرض از اشاره فوق العاده موجز به آن ها این است که بگوییم، اراده بر عمل ارتكابی یا بر نتیجه مجرمانه تعلق دارد و در حقیقت قوانین کیفری ماهوی، اساساً

صورت بندی این مقدمات مطابق آرای مشهور متکلمان و حکما در قالب تصور موضوع و ادراک آن بررسی فایده آن (مرحله تدبیر) تصدیق به فایده، تمایل به موضوع و اشتداد میل به آن و رفع موانع، شوق موکد، قدرت بر انجام و اجرای آن تبلور می یابد (همان، ص ۴۱)، در این باره باید گفت که بین مفاهیم اراده و مفاهیم متشابه مثل قصد و اختیار و طلب و عمد تمایز وجود دارد و بی آنکه کمترین توجهی به لزوم تفکیک پذیری واژه اراده از واژه های یاد شده شود، همین رویکرد صوری و سطحی در اغلب قوانین کشور ما - اعم از شکلی و ماهوی - بازتاب یافته است، در این باره که انسان در افعال خود از اراده تام برخوردار است و یا هیچگونه اراده و اختیاری در افعال خود ندارد، بین مکتب های علمی و حتی بین عالمان دینی اختلاف است (اردبیلی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۷). سیر تاریخی اراده به ما نشان می دهد که فهم عمیق آن یک ضرورت بشری است هر نسلی با سوال انسان مختار است یا مجبور روبه روست، گذشته از اینکه علماء علم کلام در هر مکتبی به این سوال پاسخ داده اند و این مورد از موارد اختلافی بوده است. ولیکن باید گفت کاربرد مهم مفهوم اراده و اختیار در حقوق کیفری از هر جای دیگر بیشتر به چشم می آید. اراده از قرن شانزدهم به بعد به اعتبار مفهوم و نقش آن در افعال انسانی به شکل فزاینده ای مورد توجه واقع گردید. در نیمه دوم سده نوزدهم مکتب اثباتی حقوق کیفری به نظریه جبر علمی گروید و آراء جدیدی ابراز کرد که محور آن نفی اختیار و تصمیم انسان بود، هر چند که حقوق کیفری همچنان متکی بر فرضیه ی اراده آزاد باقیمانده است.

اراده در حقوق کیفری در رکن مادی و معنوی جرائم قلمرو خاصی دارد و چون هر جرمی علی الاصول تا اراده نباشد واقع نمی شود. بنابراین اراده در تمام جرائم اعم از عمدی و غیر

۴. التزام شخص به تحمل تبعات رفتار مجرمانه خود - در قالب مجازات یا اقدامات تامینی - متعاقب احراز اهلیت جنایی را مسئولیت کیفری گویند (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸). به خوبی روشن است سه تعریف اولیه هر یک به تنهایی جامع افراد و مانع اغیار نمی باشند. به نظر می رسد تعریف چهارم کاملتر است، چرا که اولاً احراز اهلیت جنایی را قبل از تحمیل هر گونه مجازات مد نظر داشته و ثانیاً اقدامات تامینی و تربیتی را نیز به درستی در کنار مجازات بیان کرده است. بعد از تعریف مسئولیت کیفری، اکنون به اهلیت جنایی برمی گردیم که در حقوق کیفری پیش شرط اساسی مسئولیت کیفری است. آنچه مسلم است، در صورتی که جرمی واقع شود، آنگاه می توان فاعل آن را مسئول دانست که پیش تر اهلیت جنایی در او احراز شده باشد. از نظر اصطلاحی و در عرصه حقوق کیفری، اهلیت جنایی بر مجموع عوامل روانی لازم که امکان انتساب به رفتار مجرمانه را به فاعل آن فراهم می سازد، اطلاق می شود. به دیگر سخن اهلیت جنایی، اهلیت «اسناد» است (همان).

اهلیت جنایی بر مبنای دو رکن اساسی، یعنی (آگاهی) و نیز اراده، استوار است. در عرصه حقوق کیفری از دو شرط اساسی توجه مسئولیت کیفری، در قالب دو رکن آگاهی و اراده - به عنوان ارکان بنیادین اهلیت جنایی - یاد می شود. در حقیقت پیش شرط اساسی تحقق مسئولیت کیفری، احراز اهلیت جنایی است و این اهلیت نیز بر دو محور اساسی آگاهی وارده استوار است. آگاهی عبارت است از حالت ذهنی مشخص که در آن، وظیفه طبیعی برای قوای عقلی شکل می پذیرد. لذا شرط اول توجه به مسئولیت کیفری، توانایی شخص بر فهم ماهیت رفتار خویش و ارزیابی نتایج مترتب بر آن است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۴۵۴ و ۴۵۵).

مبنی حدود مسئولیت کیفری و احکام راجع به آن در ارتکاب با عناوین مجرمانه اند. تحقق مسئولیت کیفری نیز خود مسبوق به احراز قابلیت است که فاعل رفتار مجرمانه را مستحق تحمل تبعات رفتار یاد شده می گرداند و در اصطلاح اهلیت جنایی نامیده می شود (موسوی مجاب، ۱۳۹۰، ص ۱۵)، اما قبل از پرداختن به اهلیت جنایی به طور خلاصه به تعریف و شرح مسئولیت کیفری باید پرداخت. مسئولیت کیفری رکن اساسی در نظام کیفری است. مسئولیت به معنای قابل بازخواست بودن انسان و تکلیف و وظیفه آمده است. در کتب حقوقی تعریف جامع و کاملی از مسئولیت کیفری ارائه نشده است، اما به طور نمونه بیان میدارند که مسئولیت کیفری مسئولیتی است که مرتکب عمل مجرمانه علاوه بر علم و اطلاع باید دارای اراده و سوء نیت یا قصد مجرمانه بوده و رابطه علیت بین عمل ارتكابی و نتیجه حاصل از جرم وجود داشته باشد تا بتوان عمل انجام شده را به مرتکب منتسب کرد. با این وجود چندان اتفاق نظری در تعریف مسئولیت کیفری وجود ندارد. اما با این حال مجموع تعاریف ارائه شده از سوی حقوقدانان را در قالب یکی از چهار تعریف زیر می توان جای داد :

مسئولیت کیفری عبارت است از قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود.

مسئولیت کیفری عبارت است از این که تبعات جزایی رفتار مجرمانه شخص بر او الزام یا تحمیل گردد.

۳. التزام یا مجبور بودن شخص نسبت به تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود، مسئولیت کیفری نامیده می شود.

تنفیذ و اجرای فرا می رسد. با جمع مراحل و مؤلفه های فوق می توان از اراده معتبر یا جازم برای شکل گیری اهلیت جنایی سخن به میان آورد. لذا همان طور که گفته شد اساسی ترین شاخصه مسئولیت کیفری آگاهی و اراده است و در این بین اراده جایگاه بسزایی دارد (موسوی مجاب، ۱۳۹۰ ص ۳۳).
در نظام حقوق ایران در فصل هشتم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ (اصلاحی ۱۳۵۲) به پیروی از نظام کیفری فرانسه بی آنکه به ارکان، ماهیت و شرایط اثبات مسئولیت کیفری بر پایه رکن اساسی اراده اشاره شود، صرفاً از موانع مجازات نام برده شده بود. ماده ۳۶ قانون یاد شده اختلال تام یا نسبی اراده و حدود تأثیر آن بر مسئولیت کیفری را مورد تصریح قرار داده بود. پس از انقلاب اسلامی نیز قانونگذار در فصل هشتم قانون راجع به مجازات اسلامی (۱۳۶۱)، تحت عنوان «حدود مسئولیت جزایی» منحصرأ از موانع مصرح تحقق مسئولیت کیفری یاد کرد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ماده ۲۲۴ قانونگذار به جای لفظ اراده از لفظ اختیار و نیز قصد بهره گرفته بود. اما خوشبختانه قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ همانطور که انتظار می رفت اشتباه قبل خود را جبران نموده و در ماده ۱۵۴ خود آورده است: مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آن ها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. بخوبی ظاهر است قید "نظایر آنها" در ماده سابق الذکر موید این است که مستی و بی ارادگی ناشی از مصرف اختیاری مواد مذکور در ماده تمثیلی است. از این حیث قاعده کلی این است که مصرف اختیاری هرگونه مواد الکلی یا مخدر و یا روانگردان اعم از خوردنی، نوشیدنی، جویدنی، تدرقی و ... که منجر به

در اصطلاح حقوقی نیز آگاهی عبارت است از وضعیت ذهنی سالمی که در نتیجه عملکرد قوای عقلی سالم، انسان را نسبت به شناخت از خود و همچنین محیط پیرامون به شکلی موافق با واقعیت های قانونی قادر می سازد، هر گونه ایراد خلل بر این وضعیت بی گمان زوال مسئولیت به شکل کامل یا جزئی را در پی خواهد داشت. اما صرف آگاهی از ماهیت رفتار ارتكابی برای مسئول دانستن انسان کفایت نمی کند؛ لذا ممکن است انسان نسبت به رفتار خود آگاه باشد، اما برای مسئول دانستن آن نیاز به فاکتور دیگری به نام اراده است که ایراد خلل بر آن رافع مسئولیت نیز هست. درباره اراده پیش تر صحبت کردیم. اما برای شناخت بهتر مفهوم آن نیاز است که به مؤلفه های اساسی آن پرداخت. البته مطالعه و بحث دقیق این موضوع مجال دیگری را می طلبد. به قدر متقین در این مقاله به طور خلاصه و تیتیر وار در آتی به مؤلفه های اساسی اراده اشاره خواهد شد. [نخستین مرحله از مراحل و مؤلفه های اساسی، مرحله جهت گیری اندیشه به یک موضوع معین است. این مرحله، همان مرحله ادراک است، ادراک مصدر باب افعال و در فارسی به معنای دریافتن است. و از منظر حقوقی مرحله ادراک یا تصور، نخستین گام در انتخاب تصمیم و سنگ زیرین بنای رفتار ارادی است. در مجموع با توجه به نقش ادراک در اراده - به عنوان بن مایه اهلیت جنایی - می توان قائل شد که چنانچه شخصی از قدرت فهم و درک ماهیت و پیامدهای رفتار ارتكابی خود محروم باشد، حسب مورد و به تشخیص قانونگذار، مسئول شناخته نخواهد شد. پس از مرحله ادراک نوبت به مرحله اندیشیدن یا همان تدبیر می رسد، پس از تدبیر، خواست درونی انجام یک کار مطرح می شود که اهمیت آن تا جایی است که برخی حقوقدانان آن را همان اراده دانستند. و نهایتاً متعاقب تحقق خواست درونی، مرحله چهارم یعنی

کیفری را بر او بار نماییم؟ به طور طبیعی ارتکاب جرم در شرایط عادی موجب مسئولیت جزایی است (نوربها، ۱۳۹۰، ص ۲۹۶). اما عللی باعث می شود تا نتوانیم مسئولیت را بر فرد مرتکب بار کنیم، گاهی اوقات این علل، اسباب موجهه جرم هستند؛ که کیفیاتی عینی و خارجی اند و شامل شرکا و معاونین جرم نیز می گردند. در برخی موارد نیز علل رافع مسئولیت کیفری می باشند. در حالت اول طبق حکم قانونگذار عنصر قانونی فعل؛ که به حالت عادی جرم است، زائل می شود و در نتیجه ارتکاب آن مباح می گردد.

اما در بحث علل رافع مسئولیت کیفری این چنین نیست. عمل ارتكابی جرم است و مجرمیت نیز محرز؛ ولیکن بنا به دلائلی قابلیت اسناد مجرمیت به فرد مرتکب وجود ندارد. این علل کیفیاتی شخصی و درونی اند که فقط مخصوص مباشر جرم است و تأثیری در حق دیگران ندارد. به طور مثال کودکی که مرتکب جرم می شود چون در سن مسئولیت پذیری نیست نمی توان وی را مجازات کرد. هر چند حسب مورد در اینگونه موارد اقدامات تأمینی و تربیتی مناسب به حال کودک صورت می پذیرد. در کلیه مواردی که مسئولیت جزایی با عللی که زائل کننده آن هستند زیر سوال قرار می گیرد، مجرم قابل مجازات نخواهد بود تنها باید به این نکته توجه داشت که علل رافع مسئولیت کیفری، گاه به طور کامل مسئولیت جزایی را از بین می برد و گاه فاقد آنچنان نیرویی هستند که زائل کننده تام مسئولیت جزایی باشند (همان ۲۹۶). البته باید توجه داشت که زوال مسئولیت جزایی غالباً موجب زوال مسئولیت مدنی نیست. از این رو علل رافع مسئولیت کیفری به دو قسمت تام و علل نسبی رافع مسئولیت کیفری تقسیم می شوند. کودکی، جنون و اجبار از قسم نخست و اشتباه و مستی و خواب جزء قسمت دوم هستند. همان گونه که در بخش

مستی و بی ارادگی شود مانع مجازات نیست و رافع مسئولیت کیفری نمی باشد. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می شود. همچنین قانونگذار اختلال روانی که باعث فقدان اراده گردد را به نظر می آید درجه ای از جنون دانسته است. این امر ناشی از نگاه دقیق واضعین قانون جدید به تجارب و اندیشه های نو در حوزه ی علوم کیفری می باشد که در ماده ۱۴۹ این قانون منعکس گشته است. با توجه به مطالب گفته شده در این بخش، اراده نقش مؤثر و بدون انکاری در وجود یا عدم وجود مسئولیت کیفری دارد، هر چند که قانون صراحتی در این باره نداشته باشد. به این معنی که وجود و اثبات اراده در فرد مرتکب فعل مجرمانه با وجود آگاهی، وی را مسئول اعمال کیفری و تحمل تبعات و مجازات خود دانسته است. و به هر دلیل فُقد اراده معتبر یا ایراد خدشه بر آن بنیان اهلیت کیفری را به چالش می کشد. و بطور کلی، تحقق مسئولیت کیفری را با مانع روبه رو می کند؛ لذا نقش اراده در مسئولیت کیفری به عنوان یک فرمول کلی و یک قاعده اصلی مورد نظر همه علماء فن می باشد. با بیان این قاعده کلی به تبیین، تحلیل و بررسی مجزا و تفریدی موضوع این تحقیق یعنی مسکرات و آثار آنها بر مسئولیت کیفری در ادامه می پردازیم.

تأثیر مسکرات در مسئولیت کیفری

چنانچه در قبل گفته شد برای مسئول شناختن شخصی باید آگاهی و اراده در حین ارتکاب جرم در وی وجود داشته باشد. بعد از احراز اهلیت جنایی مرتکب، باید دید که جرم قابل اسناد به مرتکب می باشد تا وی را مجرم بدانیم و مسئولیت

جرم بوده است، مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد. علاوه بر این ماده ۲۲۴ همان قانون نیز بیان می‌داشت: قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب الاختیار و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکره باشد... . تقریباً شبیه به متن همین ماده را قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۳۰۷ خود تکرار کرده است. اما در این قانون در ماده ۱۴۹ در مقام بیان حکم کلی در مورد اختلال اراده اشعار می‌دارد: هر گاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد. لذا مرتکب در این حالت در صورت اختلال روانی به هر علتی که سبب فقدان اراده گردد مسئولیت کیفری از وی سلب می‌گردد. واضح است تشخیص این مهم با پزشکی قانونی می‌باشد. با این حال قانونگذار در ماده ۱۵۴ که بیان می‌دارد: مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مخدر و روان‌گردان و نظایر آن‌ها مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود. استثنایی بر حکم کلی ماده ۱۴۹ وارد نموده و مستی اختیاری که موجب بی‌ارادگی و در حقیقت نوعی اختلال روانی پیش آورد را مانع مجازات دانسته است. بر این پایه با بررسی سیر تحول وضع قانون در مورد مسکرات و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری به دست می‌آید که قانون مستی را بر دو قسم تقسیم کرده است و برای هر یک احکام متفاوت وضع نموده است؛

نخست این نوشتار به طور مفصل در مورد مسکرات و مواد مستی آور (اعم از مواد سکرآور و مواد مخدر) اشاره شد، مستی حالتی است که شخص در اثر استعمال مواد سکرآور و الکلی با میل خود اراده خویش را دچار ضعف و انهدام می‌کند (همان، ص ۳۱۷). همانطور که گفته شد مستی در مسئولیت کیفری مؤثر است و قانونگذار مطلق تناول مسکرات را جرم دانسته است؛ لذا فرد مرتکب مسئول عمل مجرمانه خود می‌باشد. اما بحث اصلی در جایی است که جرم دیگری در حالت مستی اتفاق می‌افتد که در این صورت دو حالت پدید می‌آید: گاهی مستی باعث تشدید کیفر و مسئولیت مرتکب است و در بعضی موارد نیز مستی؛ از علل نسبی رافع مسئولیت کیفری به شمار می‌آید. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در مورد مستی مطالبی بیان نکرده است.

قانون اصلاحی سال ۱۳۵۲ نیز مستی را رافع مسئولیت کیفری ندانسته و صرفاً با عنایت بر تبصره ذیل ماده ۲۷ این قانون، مستی حاصل از استعمال اختیاری مواد الکلی و مخدر اگر به منظور ارتکاب جرم نباشد را موجب تخفیف می‌دانست. این تبصره بیان می‌داشت: هرگاه استعمال مواد مذکور (در ماده ۲۷) به منظور ارتکاب جرم نبوده و موجب اختلال تام یا نسبی شعور یا قوه تمییز یا اراده مرتکب در حین ارتکاب جرم شده باشد، دادگاه حسب مورد و به اقتضای اوضاع و احوال می‌تواند مجازات را در مورد اختلال تام، تا دو درجه و در مورد اختلال نسبی یک درجه تخفیف دهد، بدون اینکه از حداقل مجازات جنحه ای کمتر باشد، مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. بعد از انقلاب نیز، قانونگذار اسلامی ایران در ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مورد مستی آورده است: اگر کسی در اثر شرب خمر، مسلوب الاراده شد، لکن ثابت شد که شرب خمر به منظور ارتکاب

گشت که البته مادتين ۱۵۴ و ۳۰۷ (ق.م.ا) نیز موید همین استدلال هستند. هر چند عده ای گفته اند که مادتين ۵۳ و ۲۲۴ قانون مجازات سابق با یکدیگر متفاوت است و تفاوت در آنجا می باشد که ماده ۵۳ اصل را بر عدم مسئولیت و ماده ۲۲۴ اصل را بر مسئولیت فرد مرتکب قرار داده است. ولی با امعان نظر در این دو ماده بدست می آید که هر دو ماده اصل را بر مسئولیت مرتکب در حال مستی قرار داده اند، مگر اینکه مسلوب الاراده بودن فرد مرتکب حین ارتکاب جرم اثبات گردد (ژیان، پیشین).

به نظر می رسد، در مقام تحلیل و بررسی این دو ماده بتوان گفت: ماده ۲۲۴ در مقام بیان مثالی برای ماده ۵۳ است، و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. قانونگذار حکم عام را بر مجرمیت و حالت مسلوب الاراده بودن را تخصیصی برای عام قرار داده؛ فلذا مرتکب فاقد اراده را از مسئولیت کیفری معاف نموده است. بنابراین با عنایت به مطالب گفته شده به این نتیجه می رسیم که مستی در هر دو حالت؛ چه موقعی که باعث تشدید کیفر است و چه در موقعی که باعث رفع مسئولیت کیفری است، اراده در آن نقش بسزایی دارد. در حالت نخست اگر فرد با اراده خود مست شود طبق قاعده مسئول اعمال خود است بالاخص اگر مستی برای ارتکاب جرم باشد. اما در حالت دوم اگر فرد به موجب تناول مسکرات فاقد اراده گردد و در این وضع مرتکب جرمی شود، بدون اینکه تناول مسکرات نیز به منظور ارتکاب جرم بوده باشد؛ مسئولیت کیفری ندارد. لذا به نظر می رسد نقش مسکرات در مسئولیت کیفری وجود یا فقدان اراده در مرتکب تناول مسکرات است. همانطور که اشاره شد، مسکرات را میتوان به دو قسمت مواد سکرآور و مواد مخدر تقسیم کرد و مواد مخدر قابل قیاس به طریق اولویت با مواد سکرآور هستند. به رغم اثبات علمی این

فلذا می توان گفت: در حالت اول مستی اگر ارادی بوده و به جهت ارتکاب جرم دیگری باشد که از این روی باعث جرأت و جسارت مرتکب شود، نه تنها موجب رفع مسئولیت نیست، بلکه موجب تشدید مجازات هم می باشد. در این باره ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، بیان می دارد: در مورد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا ... ، به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مقرر در موارد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا ۵ سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم کند. شایان ذکر است مطابق ماده ۱۶۰ آئین نامه رانندگی مصوب ۱۳۴۷/۰۲/۱۸ هرگاه میزان الکل موجود در خون شخص بیش از ۵۰ سانتیگرم در هر لیتر باشد راننده قانوناً مست تلقی می شود .

علت تشدید مجازات در اینگونه موارد نیز قاعده عقلی «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» می باشد (شکری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲) یعنی اینکه فردی که اکنون سلب اختیار شده منافاتی ندارد با اینکه از ابتدا دارای اختیار باشد ولی خود با سوءاختیار خود اکنون سلب اختیار از خود کرده باشد. این قاعده در بردارنده این مطلب است که انسان دارای اراده آزاد است و مسئول تمام اعمال و رفتار خود می باشد؛ لکن اگر کسی بدون عذر شرعی و عقلی اراده خود را زائل کند، مسئولیت از وی سلب نمی شود. اما حالت دوم جایی است که فرد در حالت مستی مرتکب جرم می شود؛ بدون اینکه تناول مسکرات به منظور ارتکاب جرم بوده و وی بر اثر تناول مسکرات مسلوب الاراده گردیده باشد. حالت دوم که رافع مسئولیت کیفری است، از مفهوم مخالف ماده ۵۳ و قسمت دوم ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ حاصل می

۱۳۹۲ خط پایانی بر تشتت آراء دکترین حقوق جنایی در این زمینه محسوب می شود که به درستی مُسکرات را اعم از مواد سکرآور و مخدرات دانسته و در کنار یکدیگر احکام مشترکی را برای آن ها وضع نموده است. در نتیجه در ماده ۱۴۹ (ق.م.ا) بطور کلی و مادّتین ۱۵۴ و ۳۰۷ همان قانون بطور خاص با ذکر مواد مخدر و روانگردان ها کنار مشروبات الکلی، بعلت ایجاد اختلال روانی و در نتیجه فقدان اراده مواضع مشترکی را برای آن ها بیان نموده است. فقها نیز متعرض این مساله شده اند. مرحوم حضرت امام خمینی(ره) در فتوی خود در کتاب شریف تحریرالوسیله با اشراف کامل به این مسئله بیان می دارد: اگر کسی در اثر شرب خمر یا استعمال بنگ (نوعی مواد مخدر) و نظایر آن عقل خود را از دست بدهد و مرتکب جرمی بشود مجازات نخواهد شد. در اغلب قوانین کیفری کشورهای دیگر نیز مواد مخدر به مواد سکرآور قیاس شده اند. به مانند ماده ۲۳۵ قانون مجازات لبنان، که به صراحت، حالت مسمومیت ناشی از استعمال مواد الکلی یا مواد مخدر را که در زمان ارتکاب جرم، سبب فقدان آگاهی یا اراده گردد سبب معافیت از کیفر دانسته است.

نتیجه گیری

با نگاه به مطالبی که گفته شد نتیجه می شود که مُسکرات نقش بسزایی در مسئولیت کیفری دارند. در حقوق کیفری ایران مطلق استعمال مسکرات جرم و مرتکب مستحق مجازات است.

اما چون این مواد باعث می شوند مرتکب، میل و رغبت بیشتری برای ارتکاب جرم داشته باشد، لذا نقش آن ها در

حقیقت که در برخی موارد آثار ناشی از استعمال مواد مخدر به مراتب اقوی و اشد از آثار ناشی از استعمال مواد سکرآور است و مانند مواد سکرآور موجب مسلوب الارادگی در فرد است، اما متأسفانه قانونگذار در سال ۱۳۷۰ هیچ حکمی در باب مواد مخدر به عنوان علل رافع مسئولیت کیفری بیان ننموده بود. علاوه بر این در مقررات و قوانین کیفری مربوط به مواد مخدر به ویژه مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۶ به سادگی می توان دریافت که قانونگذار با اتخاذ رویکردی واکنشی و در راستای «مبارزه» با مواد مخدر به شکلی قاطع، متعرض بحث مسئولیت کیفری و حدود آن نشده است. امروزه در پرونده های کیفری بسیاری، اثبات می شود که شخص معتاد در زمان ارتکاب جرم، به دلیل تأثیر سوء مواد مخدر یا مواد روان گردان، به طور کلی مسلوب الاراده بوده است؛ به گونه ای که در لحظه وقوع جرم، هیچ تصور و درک صحیحی از واقعیت نداشته و اساساً قدرت سنجش برآیند منافع و مضار (تدبر) را از دست داده است. حال آنکه به دلیل سکوت و چالش قانونی در سال ۷۰ در این ارتباط، محاکم معمولاً حکم بر ثبوت مسئولیت کیفری می دادند (موسوی مجاب، پیشین، ص ۲۱۸ و ۲۱۹). با این وجود عدّه ای نیز گفته اند از ماده ۵۳ مصوب ۱۳۷۰ می توان استعمال مواد مخدر را نیز برداشت کرد؛ فلذا قانون ابهام و سکوتی ندارد، که البته ادعایی بی دلیل است. اما برخی از دکترین حقوق نیز بر این باورند با اینکه آن قانون در این مقام ساکت بود؛ معهذا می توان گفت: در صورتی که استعمال مواد مخدر ایجاد اختلال تام اراده و به عبارتی سلب اراده بنماید، دفاع به عنوان رافع مسئولیت موجه است. مشروط بر اینکه قبلاً و برای ارتکاب جرم از این مواد استفاده نکرده باشد (نور بهاء، پیشین، ص ۳۱۹). به هر تقدیر قانون مجازات اسلامی

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- قرآن کریم.
- اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزائی عمومی، جلد اول، چاپ بیست و سوم، تهران، نشر میزان ۱۳۸۹.
- بیگ زاده، صفر؛ مجموعه قوانین صبا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کلک صبا، ۱۳۹۰.
- جوانمرد، بهروز؛ همراه کارشناس ارشد علوی / جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علوی فرهیخته، ۱۳۸۹.
- حر عاملی-محمد، وسائل الشیعه، تحقیق و نشر آل البیت قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- علامه حلی؛ تبصره المصلحین، ترجمه و شرح علامه شعرانی، چاپ ششم، تهران، انتشارات، اسلامیه، ۱۳۸۵.
- خامنه ای، سیدعلی؛ رساله اجوبه الاستفتائات، چاپ نهم، تهران، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۸۹.
- خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، نشر الهادی قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- خوانساری، محمد؛ منطق صوری، جلد اول و دوم، چاپ سی ام، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۶.
- دهخدا، علی اکبر؛ فرهنگ لغت دهخدا، جلد دوم و دوازدهم، چاپ اول از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- زراعت، عباس؛ شرح قانون مجازات اسلامی بخش حدود، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰.
- ژبان، علی؛ «مقاله تأثیر مستی ارادی بر مسئولیت کیفری»، قوه قضائیه، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، ۱۳۸۵. دانلود از سایت: www.kandoocn.com

مسئولیت کیفری قابل بحث است، با اینکه قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در مورد قیاس مواد مخدر و مواد سکرآور (همانگونه که گذشت) ساکت و این امر باعث چالش محاکم شده بود.

با این حال مسئله از نگاه دکترین حقوق پنهان نمانده بود، اما بر این مبنا قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ با رفع مشکل قانون سابق و با مقایسه صحیح مواد مخدر و مواد سکرآور بعلت ایجاد اختلال در اراده ی مصرف کننده احکام مشترکی را برای آنها بار نموده است؛ که در مواقعی و با لحاظ قیود مصرح قانونی تشدید مجازات و در پاره ای موارد نیز به علت مسلوب الارادگی مرتکب، رفع مسئولیت کیفری در پی خواهد داشت. هر چند در حقوق کیفری اصل بر مسئولیت جزایی است و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مواد سکر آور، مخدر و روانگردان مانع مسئولیت کیفری نیست. بنابراین چنانچه استعمال مواد الکی یا مخدر تعمداً و به منظور ارتکاب جرم باشد و جرم منظور و اراده شده نیز واقع شود بدون تردید جرم ارتكابی عمدی محسوب می گردد. در مقابل در صورتی که مصرف مواد مذکور به منظور ارتكاب جرم نباشد و شخص مرتکب تنها آگاهی داشته باشد که محتمل است بعد از مصرف مواد و بروز حالت های یاد شده، مرتکب جرم شود و جرم نیز واقع شود، جرم ارتكابی دوم غیر عمدی است و این حالت متفاوت با بند آخر ماده ۱۴۴ ق.م.ا است که بیان داشته در اثبات رکن معنوی جرم در جرایم مقید به نتیجه، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

- شکرى / سيروس؛ رضا / قادر ؛ قانون مجازات اسلامى در نظم حقوق كنونى، چاپ هشتم، تهران، انتشارات نشر مهاجر، ۱۳۸۹.
- صدرى، محمد؛ مبادى اصول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه پيام نور، ۱۳۸۶.
- شيخ صدوق ؛ علل الشرايع، ترجمه و تحقيق سيد محمد جواد ذهنى تهرانى، جلد دوم، چاپ نهم، قم، انتشارات مومنين، ۱۳۸۷.
- على آبادى، عبدالحسين؛ حقوق جنايى، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسى ۱۳۸۵
- فيض، عليرضا؛ مقارنه و تطبيق در حقوق جزاى عمومى اسلام، چاپ هفتم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۸۵.
- گلدوزيان، ايرج؛ محشای قانون مجازات اسلامى، چاپ يازدهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- مكى عاملى - محمد ابن جمال الدين، تحقيق: شيخ على كورانى، چاپ اول، انتشارات دارالفكر، ۱۴۱۱ ه ق.
- محقق داماد، سيد مصطفی؛ قواعد فقه جزايى، چاپ دوازدهم، تهران، مركز نشر علوم اسلامى، ۱۳۸۳.
- موسوى خمينى (ره)، سيد روح الله؛ تحرير الوسيله، ترجمه از موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶.
- موسوى مجاب، سيد دريد؛ نقش اراده در مسئوليت كيفرى با رويكردى به نظام حقوقى ايران، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامى، ۱۳۸۸ .
- ----- ؛ تقريرات درسى ، پيش درآمدى بر مباحث حقوق كيفرى اختصاصى، دانشگاه تربيت مدرس، ۱۳۹۰.
- محسنى، مرتضى، دوره حقوق جزاى عمومى، پديده مجرمانه، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، كتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲.
- تجفى، محمد حسن، جواهر الكلام، چاپ سوم، انتشارات دارالكتب الاسلاميه - آخوندى ۱۳۶۷ ه ش.
- نوربهاء، رضا ؛ زمينه حقوق جزاى عمومى، چاپ سى و يكم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰
- cheistopher - understanding criminal Law-clakson ترجمه و توضيح دكتور حسين مير محمد صادقى، چاپ اول، تهران انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۰.